

پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲

۳۶۴ - ۳۴۷

## بررسی عوامل مؤثر بر تغذیه روستاییان شهرستان کرمانشاه

فاطمه پورقاسم<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی

سهیلا پورجاوید - کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

امیرحسین علی‌بیگی - عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۳/۲۸

### چکیده

تحقیق توصیفی- همبستگی حاضر با هدف بررسی و شناسایی وضعیت تغذیه و عوامل مؤثر بر آن در خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه انجام گرفت. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای انجام شد. تعداد نمونه، بر اساس جدول بارتلت و همکاران، ۱۳۴۰ خانوار تعیین گشت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساز بود که روایی آن از طریق پانل متخصصان تأیید شد و پایایی آن، با استفاده از آزمون کرونباخ آلفا، به تأیید رسید. بر اساس یافته‌ها، ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه با هفت متغیر درآمد خانواده، قیمت مواد غذایی، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار، تحصیلات پدر خانواده، تحصیلات مادر خانواده، تعداد اعضای خانواده، و میزان دسترسی به مواد غذایی تبیین می‌شود. نتایج نشان می‌دهد خانوارهای روستایی از انواع نان، قند، روغن، لبنیات، غلات، حبوبات، و چای در طول هفته بیشترین استفاده را می‌کنند و سبزیجات و گوشت و میوه کمترین میزان مصرف را در طول هفته به خود اختصاص می‌دهد. عواملی چون فرهنگ غذایی خاص در منطقه، کمبود دانش و اطلاعات تغذیه‌ای، فقر و پایین بودن درآمد، عدم دسترسی دائم به مواد غذایی، و بالا بودن قیمت مواد غذایی بر پایین بودن میزان مصرف سبزیجات و گوشت و میوه در خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه مؤثر است. بنابراین، عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای روستایی بر این نکته دلالت دارد که آنان در تأمین انواع خوراک با ارزش غذایی مناسب با مشکل مواجه‌اند. نتایج این تحقیق می‌تواند به مسئولان در برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح تغذیه جامعه روستایی کشور کمک کند.

### کلیدواژگان

امنیت غذایی، تغذیه، خانوار روستایی، روستا، کرمانشاه.

## مقدمه

تغذیه صحیح یکی از عوامل حیاتی در تأمین سلامت و بهداشت شخص، خانواده، و جامعه است. تغذیه از نیازهای بنیادین جامعه بشری است که امنیت غذایی آن را تأمین می‌کند؛ شامل: ۱. فراهم‌بودن غذای سالم و کافی، و ۲. توانایی و اطمینان در به‌دست‌آوردن غذا از طریقی که از نظر جامعه پذیرفتنی است. ناامنی غذایی نه‌تنها شامل دسترسی نداشتن به غذاست، بلکه ادراکی نظیر ناکافی‌بودن از نظر کمیت و کیفیت و قابل قبول نبودن را نیز در بر دارد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۸). ناامنی غذایی عاملی مهم برای شناخت وضعیت تغذیه در مناطق با درآمد پایین، مانند روستاها، است (Campbell, 1991).

روستاها مکان تولید انواع گوشت و میوه و سبزی هستند و روستاییان، که مهم‌ترین تولیدکنندگان این موادند، نباید تغذیه نامناسب داشته باشند. اما بررسی‌ها نشان‌دهنده واقعیت دیگری است. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که دلایل وضعیت تغذیه موجود در روستاها چیست؟ به نظر می‌رسد در روستاها به دلیل در دسترس نبودن غذای کافی، ناآگاهی، و عادات نادرست غذایی وضعیت تغذیه بدتر از مناطق شهری است (سالارکيا و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین، به دلیل ضعیف‌بودن وضع مالی خانوارهای روستایی، مصرف انواع گوشت و سبزی و میوه، که حاوی پروتئینی و ویتامین‌اند، در روستاها کمتر از شهر است و روستاییان به مصرف هر چه بیشتر نان، روغن، چربی، و مواد لبنی روی آورده‌اند (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۶). بنابراین، به علت تأثیر تغذیه در سلامت و بهداشت جامعه، شناسایی وضعیت تغذیه و عوامل مؤثر بر آن، جهت تعیین کمبودهای سبب غذایی خانوار و کمک به بهبود آن، حائز اهمیت است. کاهش مشکلات تغذیه‌ای روستاییان برای داشتن جامعه‌ای فعال، تولیدکننده، و سالم ضروری است و نتایج تحقیق می‌تواند مسئولان را به توجه بیشتر و اختصاص یارانه ویژه به مناطق محروم و ضعیف سوق دهد.

بنابراین، هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه بود.

## پیشینه پژوهش

بررسی‌های صورت‌گرفته در زمینه وضعیت تغذیه در ایران نشان می‌دهد انرژی بیشتر از طریق غلات، روغن‌ها و چربی‌ها، سبزیجات، و میوه‌ها تأمین می‌شود و فرآورده‌های حیوانی و به‌طور

کلی گوشت قرمز و لبنیات نقش کمتری دارند؛ به طوری که مصرف آن، به ویژه در مناطق روستایی، در سطح حداقل و نامطلوب است (کیمیایگر و همکاران، ۱۳۸۳).

وعده‌های غذایی روستاییان، از نظر زمان و نوع خوراک، برنامه‌ای خاص، مانند شهر، ندارد. تغذیه آنان بیشتر تابع گرسنگی است و نوع خوراک را فصل و تولیدات دامی و کشاورزی تعیین می‌کند (تقوی شیرازی و اقتصادی، ۱۳۸۳). این امر نشان می‌دهد که مردم به نوع غذا، ایجاد تنوع غذایی، ارزش تغذیه‌ای، و کیفیت غذاها توجهی ندارند (سالارکیا و همکاران، ۱۳۸۹). بیشتر ویتامین مصرفی مردم از گوجه‌فرنگی، کره، تخم‌مرغ، و روغن حیوانی تأمین می‌شود (نوروزی، ۱۳۷۳). به علاوه، عمده کالری مصرفی از طریق ده کالای غذایی- که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از نان، برنج، قند و شکر، روغن نباتی، گوشت سفید، فرآورده‌های لبنی، و حبوبات- تأمین می‌شود و همین ده کالا حدود ۷۶ درصد پروتئین مصرفی را نیز تأمین می‌کند (انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، ۱۳۷۰-۱۳۷۴). بررسی در زمینه سبد مطلوب غذا در کشور نشان می‌دهد تعدیل عرضه غذا برای هماهنگی با نیازهای تغذیه‌ای و حفظ سلامت افراد جامعه مستلزم افزایش عرضه سبزی و میوه به میزان ۲۵ درصد، گوشت به میزان ۳۰ درصد، لبنیات حدوداً به میزان ۳۵ درصد، و کاهش غلات به میزان ۲۵ درصد است (کیمیایگر و همکاران، ۱۳۸۳).

از لحاظ مصرف برنج و پنیر و کره تفاوتی معنادار در جوامع شهری و روستایی وجود ندارد. اما میانگین مصرف نان، شیر و ماست، قند و شکر، حبوبات، و روغن و چربی در جوامع روستایی بیش از جوامع شهری است. برعکس، میانگین مصرف گوشت دام، مرغ و ماهی، تخم‌مرغ، خشکبار و آجیل، و میوه و سبزی در جوامع شهری بیش از جوامع روستایی است (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۶، ۷-۸).

بالا بودن مصرف نان در روستاها نسبت به شهرها به معنای آن است که در الگوی غذایی خانوارهای روستایی نان جانشین سایر مواد غذایی شده است (همان). مصرف گوشت تازه مرغ، در مناطق شهری و روستایی، به ترتیب، به‌ازای هر نفر در سال حدود ۱۹/۱ و ۱۴/۶ کیلو است؛ که حاکی از سهم پایین خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری است (Yildirim, 2008 and Ceylan). گوشت قرمز و مرغ در نواحی شهری و روستایی و گوشت ماهی فقط در نواحی شهری جزء کالاهای ضروری به‌شمار می‌رود (خمسه، ۱۳۷۵). با وجود این، قنبری عدیوی به این نتیجه رسید که گوشت فقط در مناطق شهری جزء کالاهای ضروری است (۱۳۷۲). این امر نشان می‌دهد مصرف گوشت در مناطق روستایی بسیار پایین است. میانگین مصرف ماهیان نان، شیر و ماست، قند و شکر، حبوبات، روغن و چربی، و

همچنین گندم در خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری است و از لحاظ ارزش غذایی (میزان کالری و پروتئین و ویتامین) تغذیه خانوارهای شهری بهتر از روستایی است (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۶). روستاییانی که خودشان تولیدکنندگان انواع گوشت و میوه و سبزی هستند به مصرف آن دسته از مواد غذایی روی آورده‌اند که در شهر تولید می‌شود. به نظر می‌رسد، به باور روستاییان، مواد غذایی تولیدشده در شهر بهتر از مواد غذایی تولیدشده در روستاست (همان). مطابق نتایج تحقیقات نعمتی و همکاران (۱۳۸۲) عمده غذای مصرفی جوامع روستایی نان لواش، سیب‌زمینی، تخم‌مرغ، شیر، ماست، پنیر، سیر و پیاز، کره، و گوجه‌فرنگی است. بنابراین، عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای روستایی بر این نکته دلالت دارد که درصد قابل توجهی از مردم روستاها در تأمین انواع خوراک با ارزش غذایی مناسب با مشکل مواجه‌اند (کاشی و حیدری، ۱۳۸۱) و برخی اقلام عمده خوراکی خانوارهای روستایی مانند آرد و غلات، گوشت، شیر، و تخم پرندگان کاهش جدی یافته است (غروی نخجوانی، ۱۳۸۴).

مطالب فوق مؤید ضعف تغذیه‌ای روستاییان است. منطق حکم می‌کند کسانی که تولیدکننده غذای جامعه‌اند تغذیه مناسب داشته باشند. برای اینکه جامعه‌ای توانمند داشته باشیم باید روستاییانی سالم به تولید مشغول باشند و این هم در درجه اول در گرو تغذیه سالم است. به نظر می‌رسد ضعف تغذیه‌ای روستاییان با موقعیت اجتماعی-اقتصادی این مناطق ارتباطی نزدیکی دارد (Matheson et al, 2002). عملکرد تغذیه‌ای خانوارها به عوامل مختلف همچون توان اقتصادی و درآمد (Dasgupta, 1997؛ Yildirim & Ceylan, 2008؛ Garrett & Ruel, 1999؛ کاشی و حیدری، ۱۳۸۱)، دسترسی به بازار مواد خوراکی (Garrett & Ruel, 1999؛ کاشی و حیدری، ۱۳۸۱)، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار (کاشی و حیدری، ۱۳۸۱)، سن خانوار (Sahn & Alderman, 1997)، قیمت مواد خوراکی، سطح تحصیلات، منطقه، و شرایط بهداشتی (Garrett & Ruel, 1999) بستگی دارد. به علاوه خانوارهای کم‌سواد، کارگر، کشاورز، و خانواده‌های پر تعداد و روستایی بیشتر در معرض خطر تغذیه نامناسب‌اند. این متغیرها به شدت تحت تأثیر وضعیت اقتصادی و بیانگر جایگاه خاص فقر اقتصادی در سوء تغذیه است (هلاکویی نائینی و همکاران، ۱۳۸۴). با توجه به این عوامل، چارچوب مفهومی تحقیق جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه شکل گرفت (شکل ۱).

به‌طور کلی فقر روستایی تقریباً ۶۳ درصد از کل فقر جهانی را شامل می‌شود (فهرستی ثانی

و همکاران، ۱۳۸۱). فقر و درصد خانوارهای فقیر در روستاها بالاتر از شهرهاست (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴). همچنین سطح رفاه خانوارهای روستایی هر استان در مقایسه با مناطق شهری همان استان پایین تر است (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳). این مسئله قطعاً بر تغذیه خانوارهای روستایی تأثیر می‌گذارد. تغذیه نامناسب و ناکافی نیز سلامت خانواده، به‌ویژه کودکان، را تهدید می‌کند. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی از ۱۱/۳ میلیون مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال، در سال ۱۹۹۵، در کشورهای در حال توسعه، حدود ۶ میلیون به علت سوء تغذیه بوده است (World Health Organization, 1997). در ایران سوء تغذیه سومین عامل مرگ‌ومیر کودکان شناخته شده و به‌طور متوسط از هر سه کودک زیر پنج سال یک کودک در معرض ابتلا به سوء تغذیه متوسط یا شدید است (Islam et al, 1994).



شکل ۱. چارچوب مفهومی تحقیق

اختلاف رشد بین ساکنان شهری و روستایی را به تفاوت وضعیت تغذیه ربط داده‌اند (Rona, 1991). این مشکل در استان‌های جنوب و جنوب شرقی و غرب در مقایسه با استان‌های شمالی و شمال غرب بیشتر (علوی نائینی و همکاران، ۱۳۸۲) و همچنین یکی از مشکلات مناطق روستایی است (وقاری و مرجانی، ۱۳۸۵). تحقیقات نشان می‌دهد با عملکرد صحیح بهداشتی و تغذیه‌ای می‌توان وضعیت تغذیه را بهبود بخشید (علوی نائینی و همکاران، ۱۳۸۲). بنابراین، آگاهی از وضعیت تغذیه و عوامل مؤثر بر آن در روستاهای شهرستان کرمانشاه می‌تواند در شناخت بهتر فرهنگ تغذیه روستاها مؤثر واقع شود و این امکان را برای نهادهای ترویجی فراهم آورد که با شناخت ضعف‌های این فرهنگ به روستاییان در جهت رفع آن کمک کنند. همچنین، با روشن شدن دلایل ضعف تغذیه‌ای این مناطق می‌توان برای کاهش و تعدیل ضعف‌ها گام برداشت. روستاییان نیز می‌توانند برای کاهش مشکلات تغذیه‌ای خود و خانواده‌هایشان تلاش کنند.

اهداف اختصاصی این تحقیق عبارت است از:

- بررسی میزان استفاده از میوه و سبزیجات در هفته؛
- بررسی میزان استفاده از گوشت قرمز، مرغ، و ماهی در هفته؛
- بررسی میزان استفاده از نان و غلات در هفته؛
- بررسی میزان استفاده از شیر و لبنیات در هفته؛
- بررسی عوامل مؤثر بر تغذیه خانوارهای روستایی.

### روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر هدف کاربردی است. روش تحقیق، به لحاظ دستیابی به حقایق و داده‌پردازی، از نوع توصیفی - همبستگی و طرح استفاده شده، با توجه به محدوده‌های تحقیق، مقطعی است؛ به این معنا که این طرح برای توصیف خصایص، گرایش‌ها، و رفتار افراد یک جامعه در ارتباط با موضوع پژوهش در مقطع معینی از زمان به کار می‌رود. هدف اصلی پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه بود. جامعه آماری تحقیق همه سرپرستان خانوارهای روستاهای شهرستان کرمانشاه بودند (N=۳۶۱۶۹). در این تحقیق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به کار رفت. در مرحله اول نمونه‌گیری، دهستان‌های شهرستان با توجه به وضعیت

اقتصادی مردم انتخاب شدند. در مرحله دوم، انتخاب روستاها از بین دهستان‌های انتخاب‌شده صورت گرفت و تعداد نمونه، بر اساس جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، ۱۳۴۰ خانوار تعیین گشت که از هر روستا، به تناسب تعداد خانوارها، به تصادف انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساز بود که با تکیه بر پیشینه موضوع و در سه بخش - شامل میزان مصرف مواد غذایی، عوامل مؤثر بر میزان مصرف سبزیجات و گوشت و میوه، و عوامل مؤثر بر تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه - در غالب طیف لیکرت تدوین شد. روایی آن از طریق پانل متخصصان، شامل اعضای هیئت علمی رشته‌های تغذیه، توسعه روستایی، ترویج کشاورزی، و سنجش و اندازه‌گیری به تأیید رسید. پایایی آن، با استفاده از آزمون کرونباخ آلفا، برای دلایل پایین بودن میزان مصرف سبزیجات و گوشت و میوه ۰/۷۲ و عوامل مؤثر بر تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه ۰/۷۴ محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شد. به منظور تحلیل توصیفی از میانگین و انحراف معیار برای تعیین میزان مصرف انواع گوشت، سبزی، میوه، لبنیات، نان، و ... استفاده شد. هدف این بخش تعیین میزان مواد غذایی مصرفی روستاییان در هفته بود. در بخش تحلیل استنباطی، برای تعیین دلایل وضعیت تغذیه‌ای خانوارهای روستایی، از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. این آمارها با استفاده از نرم‌افزار Spss انجام گرفت.

## یافته‌ها

بر اساس یافته‌ها، اکثر مردان مورد مطالعه (۵۸/۱٪) کشاورز بودند با میانگین سنی ۵۱ سال. میانگین سن زنان مورد مطالعه نیز ۳۸/۴ سال بود. میزان تحصیلات مردان مورد مطالعه بیشتر در سطح متوسطه (۴۲/۷٪) بود. این میزان در مورد زنان (۵۸/۱٪) به سطح ابتدایی و صرفاً توانایی خواندن و نوشتن تنزل پیدا می‌کرد. شاید به همین دلیل است که اکثر زنان (۷۰/۵٪) خانه‌دارند و جز همکاری با سایر اعضای خانواده در امور کشاورزی و دامپروری، آن هم در مواقع ضروری، در دیگر فعالیت‌های اجتماعی مشارکتی ندارند. درآمد خانوار، به‌طور متوسط، معادل ۴۰۰۰۰۰ تومان در ماه بود. همچنین هر خانوار روستایی به‌طور میانگین ۴/۶ نفر را در خود جای می‌داد.



## بررسی میزان مصرف میوه و سبزیجات، گوشت قرمز، مرغ و ماهی، نان و غلات، شیر و لبنیات، و اقلام دیگر در هفته

جهت بررسی میزان استفاده از میوه و سبزیجات، گوشت قرمز، مرغ و ماهی، تخم‌مرغ، نان و غلات، شیر و لبنیات، و دیگر خوراکی‌ها در هفته از خانوارهای روستایی خواسته شد میزان مصرف هر یک از مواد غذایی یادشده را در طول هفته مشخص کنند. نتایج این بررسی در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱. میزان استفاده از میوه و سبزیجات، گوشت قرمز، مرغ و ماهی، نان و غلات، شیر و لبنیات، و

### اقلام دیگر در هفته

| گروه       | زیرگروه     | میانگین از ۵ | انحراف معیار |
|------------|-------------|--------------|--------------|
| نان        | لواش        | ۴,۶۱         | ۰,۵۹۷        |
|            | ساجی (محلی) | ۴,۵۱         | ۰,۵۶۰        |
|            | سایر نان‌ها | ۴,۵۰         | ۰,۷۷۶        |
| قند        | قند         | ۴,۴۹         | ۰,۵۸۳        |
|            | شکر         | ۴,۴۷         | ۰,۶۹۶        |
| روغن       | جامد        | ۴,۴۰         | ۰,۷۸۸        |
|            | مایع        | ۴,۴۰         | ۰,۶۲۳        |
|            | حیوانی      | ۴,۳۴         | ۰,۸۳۲        |
| لبنیات     | دوغ         | ۴,۳۱         | ۰,۷۷۸        |
|            | ماست        | ۴,۲۹         | ۰,۷۳۰        |
|            | کره         | ۴,۲۷         | ۰,۷۷۹        |
|            | شیراز       | ۴,۲۶         | ۰,۷۱۶        |
|            | شیر         | ۴,۲۳         | ۰,۷۰۵        |
|            | پنیر        | ۴,۲۱         | ۰,۷۶۴        |
| غلات و آرد | برنج        | ۴,۲۰         | ۰,۷۹۲        |
|            | گندم        | ۴,۱۸         | ۰,۷۷۷        |
|            | جو          | ۴,۱۶         | ۰,۷۹۰        |
|            | آرد         | ۴,۱۵         | ۰,۸۲۸        |
| حبوبات     | نخود        | ۴,۱۴         | ۱,۰۷۷        |
|            | عدس         | ۴,۱۰         | ۰,۸۳۴        |



| گروه                 | زیرگروه            | میانگین از ۵ | انحراف معیار |
|----------------------|--------------------|--------------|--------------|
| اقلام دیگر خوراکی‌ها | لوبیا              | ۴,۰۸         | ۰,۸۳۰        |
|                      | ماش                | ۴,۰۸         | ۰,۸۳۶        |
|                      | چای                | ۴,۰۶         | ۰,۸۵۰        |
|                      | تخم‌مرغ            | ۳,۸۶         | ۰,۹۲۱        |
|                      | سیب‌زمینی          | ۳,۷۴         | ۰,۹۴۹        |
|                      | پیاز               | ۳,۴۹         | ۱,۱۴۶        |
|                      | گوجه               | ۳,۳۳         | ۱,۰۶۶        |
|                      | خیار               | ۳,۲۰         | ۱,۰۷۱        |
|                      | بادمجان            | ۳,۰۶         | ۱,۰۸۰        |
| سبزیجات              | کدو                | ۲,۹۷         | ۱,۱۶۷        |
|                      | سبزی خوراکی        | ۲,۷۱         | ۱,۱۷۷        |
|                      | سبزی خورشی         | ۲,۳۳         | ۱,۰۲۱        |
|                      | اسفناج             | ۲,۰۹         | ۰,۷۹۳        |
|                      | کلم                | ۲,۰۶         | ۰,۹۶۱        |
|                      | کاهو               | ۲,۰۳         | ۱,۰۶۶        |
|                      | کرفس               | ۲,۰۲         | ۱,۰۷۱        |
| گوشت                 | مرغ و پرندگان دیگر | ۲            | ۱,۰۸۰        |
|                      | گوسفند             | ۱,۹۷         | ۱,۱۶۷        |
|                      | گاو                | ۱,۷۱         | ۱,۱۷۷        |
|                      | ماهی               | ۱,۳۳         | ۱,۰۲۱        |
| میوه                 | میوه‌های همیشگی    | ۱,۰۹         | ۰,۷۹۳        |
|                      | میوه‌های فصلی      | ۱,۰۶         | ۰,۹۶۱        |

مقیاس: خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵

نتایج این جدول حاکی از آن است که انواع نان در طول هفته در خانوارهای روستایی بیشترین میزان مصرف را داراست (میانگین ۴/۶۱ و انحراف معیار ۰/۶) و دیگر گروه‌های مواد غذایی از جمله قندها، روغن، لبنیات، غلات، حبوبات، و چای به میزان زیادی در طول هفته مصرف می‌شوند. این در حالی است که اقلام دیگر خوراکی‌ها از جمله تخم‌مرغ، سیب‌زمینی، پیاز، گوجه‌فرنگی، خیار، و بادمجان به میزان متوسط در طول هفته مصرف می‌شوند و سبزیجات، گوشت، و میوه کمترین میزان مصرف را در طول هفته به خود اختصاص می‌دهند.

گفتنی است خانوارهای روستایی عواملی چون فرهنگ غذایی خاص در منطقه (میانگین ۴/۶ از ۵ و انحراف معیار ۰/۶) و کمبود دانش و اطلاعات تغذیه‌ای (میانگین ۴/۳ از ۵ و انحراف معیار ۰/۸) را به میزان زیاد و عواملی چون فقر و پایین بودن درآمد (میانگین ۳/۷ از ۵ و انحراف معیار ۰/۷)، عدم دسترسی دائم به مواد غذایی (میانگین ۳/۵ از ۵ و انحراف معیار ۰/۷)، و بالابودن قیمت مواد غذایی (میانگین ۳/۴ از ۵ و انحراف معیار ۰/۶) را به میزان متوسط بر پایین بودن میزان مصرف سبزیجات، گوشت، و میوه در طول هفته مؤثر می‌دانند. نتایج این بررسی در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲. دلایل پایین بودن میزان مصرف سبزیجات، گوشت، و میوه در خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه

| ردیف | متغیر                         | میانگین از ۵ | انحراف معیار |
|------|-------------------------------|--------------|--------------|
| ۱    | فرهنگ غذایی خاص در منطقه      | ۴/۶          | ۰/۵۶         |
| ۲    | کمبود دانش و اطلاعات تغذیه‌ای | ۴/۳          | ۰/۸۳         |
| ۳    | فقر و پایین بودن درآمد        | ۳/۷          | ۰/۷۱         |
| ۴    | عدم دسترسی دائم به مواد غذایی | ۳/۵          | ۰/۶۷         |
| ۵    | بالابودن قیمت مواد غذایی      | ۳/۴          | ۰/۵۷         |

مقیاس: خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵

### عوامل مؤثر بر تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش اعم از سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه، وضعیت اشتغال، تعداد اعضای خانواده، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار، قیمت محصولات، و میزان دسترسی به مواد غذایی با وضعیت تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، بر حسب نوع متغیر، استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین متغیرهای مستقل میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه، وضعیت اشتغال، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار، و میزان دسترسی به مواد غذایی با متغیر وابسته تغذیه خانوارهای روستایی ارتباطی مثبت و معنادار در سطح ۱ درصد حاکم است. اما بین متغیرهای سن والدین، تعداد اعضای خانواده، و قیمت محصولات خوراکی با وضعیت تغذیه خانوارهای روستایی ارتباطی معنادار و در جهت عکس برقرار است.

جدول ۳. رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش با وضعیت تغذیه خانوارهای روستایی

| ردیف | متغیر                              | نوع مقیاس | نوع آزمون | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|------|------------------------------------|-----------|-----------|--------------|--------------|
| ۱    | سن پدر                             | فاصله‌ای  | پیرسون    | -۰٫۴۷۹**     | ۰٫۰۰۰        |
| ۲    | سن مادر                            | فاصله‌ای  | پیرسون    | -۰٫۴۶۵**     | ۰٫۰۰۰        |
| ۳    | میزان تحصیلات پدر                  | ترتیبی    | اسپیرمن   | ۰٫۳۳۵**      | ۰٫۰۰۰        |
| ۴    | میزان تحصیلات مادر                 | ترتیبی    | اسپیرمن   | ۰٫۳۳۵**      | ۰٫۰۰۰        |
| ۵    | میزان درآمد ماهیانه                | فاصله‌ای  | پیرسون    | ۰٫۶۰۴**      | ۰٫۰۰۰        |
| ۶    | تعداد اعضای خانواده                | فاصله‌ای  | پیرسون    | -۰٫۲۶۳**     | ۰٫۰۰۱        |
| ۷    | میزان دسترسی به مواد غذایی         | ترتیبی    | اسپیرمن   | ۰٫۶۰۰**      | ۰٫۰۰۰        |
| ۸    | سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار | ترتیبی    | اسپیرمن   | ۰٫۵۶۷**      | ۰٫۰۰۰        |
| ۹    | قیمت مواد غذایی                    | ترتیبی    | اسپیرمن   | -۰٫۶۲۰**     | ۰٫۰۰۰        |

\*\* سطح معناداری ۱ درصد

به منظور تعیین عوامل تأثیرگذار بر تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه نیز از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج این بررسی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از رگرسیون گام‌به‌گام عوامل تأثیرگذار بر تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه

| متغیر                              | ضریب رگرسیون (b) | ضریب رگرسیون استاندارد شده (β) | t     | سطح معناداری (Sig) |
|------------------------------------|------------------|--------------------------------|-------|--------------------|
| مقدار ثابت                         | ۱٫۰۴             | -                              | ۳٫۴   | ۰٫۰۰۲              |
| درآمد خانواده                      | ۰٫۲۴             | ۰٫۷۰                           | ۹٫۳   | ۰٫۰۰۰              |
| قیمت مواد غذایی                    | -۰٫۲۷            | -۰٫۲۳                          | -۳٫۱  | ۰٫۰۰۰              |
| سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار | ۰٫۳۵             | ۰٫۳۱                           | ۴٫۵   | ۰٫۰۰۰              |
| تحصیلات پدر خانواده                | ۰٫۰۴             | ۰٫۲۵                           | ۳٫۵   | ۰٫۰۰۲              |
| تحصیلات مادر خانواده               | ۰٫۱۸             | ۰٫۵۹                           | ۶٫۸۱  | ۰٫۰۰۰              |
| تعداد اعضای خانواده                | -۰٫۶۳            | -۰٫۳۸                          | -۵٫۳۲ | ۰٫۰۰۰              |
| میزان دسترسی به مواد غذایی         | ۰٫۰۰۱            | ۰٫۴۰                           | ۵٫۱۴  | ۰٫۰۰۰              |

ضریب همبستگی چندگانه ( $R$ ) در این تحلیل برابر با  $۰,۸۴$  و ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2$ ) برابر  $۰,۷۳$  است که نشان می‌دهد ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه با هفت متغیر درآمد خانواده، قیمت مواد غذایی، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار، تحصیلات پدر خانواده، تحصیلات مادر خانواده، تعداد اعضای خانواده، و میزان دسترسی به مواد غذایی تبیین می‌شود. ضمن آنکه متغیر درآمد خانواده، با داشتن بیشترین مقدار بتا، نسبت به دیگر متغیرها، در تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه اهمیت بیشتری دارد.

جدول ۵ ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرهای پیش‌گوی مذکور و متغیر وابسته تغذیه خانوارهای روستایی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرهای پیش‌گوی تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه

| متغیر پیش‌گو / مستقل               | R    | R    | R تعدیل شده |
|------------------------------------|------|------|-------------|
| درآمد خانواده                      | ۰,۶۳ | ۰,۵۰ | ۰,۴۵        |
| قیمت محصولات                       | ۰,۷۵ | ۰,۵۶ | ۰,۵۶        |
| سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار | ۰,۷۸ | ۰,۶۰ | ۰,۵۹        |
| تحصیلات مادر خانواده               | ۰,۸۰ | ۰,۶۴ | ۰,۶۳        |
| تحصیلات پدر خانواده                | ۰,۸۲ | ۰,۶۸ | ۰,۶۶        |
| تعداد اعضای خانواده                | ۰,۸۳ | ۰,۶۹ | ۰,۶۸        |
| میزان دسترسی به مواد غذایی         | ۰,۸۴ | ۰,۷۵ | ۰,۷۳        |

بر اساس جدول ۵، از بین متغیرهای مستقل ذکر شده، درآمد خانواده بیشترین سهم ( $۰,۴۵$ ) را در تبیین واریانس تغذیه خانوارهای روستایی دارد.

## نتیجه گیری

بر اساس نتایج تحقیق، انواع نان در طول هفته در خانوارهای روستایی بیشترین میزان مصرف را داراست. از دیگر گروه‌های مواد غذایی قندها، روغن، لبنیات، غلات، حبوبات، و چای به میزان زیاد در طول هفته مصرف می‌شود. این در حالی است که اقلام دیگر از جمله تخم‌مرغ، سیب‌زمینی، پیاز، گوجه‌فرنگی، خیار، و بادمجان به میزان متوسط در طول هفته مصرف

می‌شود و سبزیجات و گوشت و میوه کمترین میزان مصرف را در طول هفته به خود اختصاص می‌دهد. عواملی چون فرهنگ غذایی خاص در منطقه و کمبود دانش و اطلاعات تغذیه‌ای به میزان زیاد و عواملی چون فقر و پایین بودن درآمد، عدم دسترسی دائم به مواد غذایی، و بالابودن قیمت مواد غذایی به میزان متوسط بر پایین بودن میزان مصرف سبزیجات و گوشت و میوه در خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه مؤثر است. نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد عمده غذای مصرفی جوامع روستایی نان لواش، سیب‌زمینی، شیر، ماست، پنیر، سیر، پیاز، کره، و گوجه‌فرنگی است (نعمتی و همکاران، ۱۳۸۲) و برخی اقلام عمده خوراکی خانوارهای روستایی مانند آرد و غلات، گوشت، شیر، و تخم پرندگان کاهش جدی یافته است (غروی نخجوانی، ۱۳۸۴). نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات نعمتی و همکاران او (۱۳۸۲) هم‌خوانی دارد. اما تا حدودی مغایر با تحقیقات غروی نخجوانی (۱۳۸۴) است. این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که میان عمده مواد غذایی مصرفی در روستاهای مورد مطالعه شیر و غلات و تخم‌مرغ نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد روستاییان، به علت پایین بودن سطح درآمد، بیشترین میزان انرژی مصرفی خود را از طریق آن دسته از مواد غذایی تأمین می‌کنند که به نسبت ارزان‌تر و دسترسی به آن آسان‌تر است و میزان مصرف انواع گوشت و سبزی و میوه، که حاوی مواد پروتئینی و ویتامین‌اند، میان آنان کمتر است که با نتایج تحقیقات یلدریم و سیلان (2008)، قنبری عدیوی (۱۳۷۲)، کیمیایگر و همکاران او (۱۳۸۳)، و قاسمی اردهایی (۱۳۸۶) هم‌خوانی دارد. دسته بزرگی از این مواد تقریباً همان‌هایی است که خود روستاییان تولید می‌کنند و به‌وفور در روستاها موجود است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اگرچه میزان مصرف بسیاری از مواد خوراکی در روستاها کمتر از شهرهاست، در برخی روستاها، به علت تولید فرآورده‌های دامی، مصرف لبنیات و تخم‌مرغ از دیگر خوراکی‌ها بیشتر است و در روستاهایی که به کار کشاورزی مشغول‌اند مصرف نان و حبوبات بیشتر است. این امر نشان می‌دهد وعده‌های غذایی روستاییان بیشتر از تولیدات دامی و کشاورزی آن منطقه پیروی می‌کند؛ که با تحقیقات تقوی شیرازی و اقتصادی (۱۳۸۳) هم‌خوانی دارد، اما با تحقیقات قاسمی اردهایی (۱۳۸۶) مغایر است. زیرا طبق تحقیقات قاسمی اردهایی (همان) روستاییان به مصرف آن دسته از مواد غذایی روی آورده‌اند که در شهر تولید می‌شود. به نظر می‌رسد، به باور روستاییان، مواد غذایی تولیدشده در شهر بهتر از موادی است که در روستا تولید می‌شود. بیشتر ویتامین مصرفی مردم از گوجه‌فرنگی، کره، تخم‌مرغ، و روغن حیوانی (نوروزی،

۱۳۷۳) و عمده کالری از طریق نان، برنج، قند و شکر، روغن نباتی، گوشت سفید، فرآورده‌های لبنی، و حبوبات تأمین می‌شود و همین ده کالا حدود ۷۶ درصد پروتئین مصرفی مردم را نیز تأمین می‌کند (انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، ۱۳۷۰-۱۳۷۴). بر اساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر، از میان این گروه‌های غذایی، برنج و گوشت سفید سهم کمتری در تأمین پروتئین روستاهای مورد مطالعه دارد. شاید یکی از دلایل این امر بالا رفتن قیمت این مواد غذایی در سال‌های اخیر باشد.

تحقیقات نشان می‌دهد سطح رفاه خانوارهای روستایی در مقایسه با مناطق شهری پایین‌تر است (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳). این امر بر وضعیت تغذیه خانوارهای روستایی تأثیر فراوان می‌گذارد که به تبع بر سلامت خانواده و به‌طور کلی سلامت جامعه تأثیرگذار است. علاوه بر سطح رفاه خانوار، عوامل متعدد دیگری می‌تواند تعیین‌کننده وضعیت تغذیه باشد.

نتایج نشان می‌دهد بین میزان تحصیلات والدین، میزان درآمد ماهیانه، وضعیت اشتغال والدین، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای، و میزان دسترسی به مواد غذایی با وضعیت تغذیه خانوارهای روستایی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. این بدان معناست که هر چه سطح تحصیلات والدین بالاتر، درآمد ماهیانه خانوار بیشتر، وضعیت اشتغال آنان بهتر، و اطلاعات تغذیه‌ای آنان بالاتر باشد، همچنین دسترسی بیشتری به مواد خوراکی و بازار داشته باشند وضعیت تغذیه بهتر خواهد بود. از طرف دیگر، سن والدین، تعداد اعضای خانواده، و قیمت محصولات خوراکی رابطه‌ای معنادار، در جهت عکس، با متغیر وضعیت تغذیه خانوار روستایی دارد که نشان می‌دهد هر چه سن والدین پایین‌تر، تعداد اعضای خانوار کمتر، و محصولات خوراکی ارزان‌قیمت‌تر باشد وضعیت تغذیه خانوار بهتر خواهد بود. این نتایج با نتایج تحقیقات گذشته هم‌خوانی دارد. در این پژوهش‌ها، درآمد (Dasgupta, 1997, 6; Yildirim & Ceylan, 2008; Garrett & Ruel, 1999؛ کاشی و حیدری، ۱۳۸۱)، دسترسی به بازار مواد خوراکی (Garrett & Ruel, 1999؛ کاشی و حیدری، ۱۳۸۱)، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای (کاشی و حیدری، ۱۳۸۱)، سن سرپرست خانوار (Sahn & Alderman, 1997)، قیمت مواد خوراکی و سطح تحصیلات (Garrett & Ruel, 1999) مطرح شده بود. علاوه بر این، خانوارهای کم‌سواد و پر تعداد و خانواده‌های روستایی و کشاورز تغذیه نامناسب‌تری دارند (هلاکویی نائینی و همکاران، ۱۳۸۴).

پژوهش حاضر نشان داد ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه با هفت متغیر درآمد خانواده، قیمت مواد غذایی، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار، تحصیلات پدر خانواده، تحصیلات مادر خانواده، تعداد اعضای خانواده، و میزان

دسترسی به مواد غذایی تبیین می‌شود. ضمن آنکه متغیر درآمد خانواده، با داشتن بیشترین مقدار بتا، نسبت به دیگر متغیرها در تغذیه خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه از اهمیت بیشتری برخوردار است و متغیرهای قیمت محصولات خوراکی و سطح تحصیلات پدر، با داشتن کمترین میزان بتا، نسبت به سایر متغیرها اهمیت کمتری دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به تأثیر درآمد بر وضعیت تغذیه روستاییان، دولت یارانه‌هایی ویژه برای خرید مواد غذایی، در مناطق روستایی با درآمد پایین و فقیر، به منظور کاهش مشکلات تغذیه‌ای این مناطق، اختصاص دهد.

۲. با توجه به تأثیر سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوارهای روستایی بر وضعیت تغذیه آنان، نهاد ترویج کلاس‌هایی با هدف بالابردن اطلاعات و آگاهی‌های تغذیه‌ای برگزار کند.

۳. با توجه به تأثیر میزان دسترسی به مواد غذایی بر وضعیت تغذیه خانوارهای روستایی، بازارچه‌های محلی برای دسترسی بیشتر روستاییان به مواد خوراکی، به‌ویژه میوه و سبزیجات تازه، ایجاد گردد.

۴. با توجه به اهمیت فرهنگ غذایی خاص هر منطقه و پایین بودن میزان مصرف سبزیجات و گوشت و میوه در خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه، برای اصلاح و بهبود این فرهنگ و افزایش دانش کلاس‌های ترویجی برگزار گردد.

## منابع

انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، ۱۳۷۰-۱۳۷۴، طرح جامع مطالعات مصرف مواد غذایی و تغذیه انستیتو.

تقوی شیرازی، مریم، اقتصادی، کیارش، ۱۳۸۳، تغذیه، مجله میمند و سلامت، ج ۲، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.

خالدی، کوهسار، پرمه، زورار، ۱۳۸۴، بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۲)، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹.

خمسه، م، ۱۳۷۵، بررسی تقاضای دینامیکی گوشت قرمز و سفید در مناطق شهری و روستایی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه شیراز.

سالارکیا، ناهید، امینی، مریم، عبداللهی، مرتضی، عشرتی، بابک، ۱۳۸۹، نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تغذیه کودک زیر دو سال از دیدگاه مادران، مراقبین کودک و



- کارکنان بهداشتی: یک مطالعه کیفی در شهرستان دماوند، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال پنجم، شماره ۴، ۷۵-۸۶.
- طرازکار، محمدحسن، زیبایی، منصور، ۱۳۸۳، بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری مطالعه موردی استان‌های فارس و اصفهان و سمنان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
- علوی نائینی، امیرمنصور، کیقبادی، کیخسرو، جزایری، ابوالقاسم، برومند، مژگان، ۱۳۸۲، بررسی وضع تغذیه‌ای کودکان ۲۵-۳۶ ماهه تحت پوشش خانه‌های بهداشت روستاهای شهرستان کرمان و برخی عوامل مؤثر بر آن در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۹، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دوره دهم، شماره ۲، ۱۱۲-۱۱۸.
- غروی نخجوانی، سید احمد، ۱۳۸۴، فقر در خانوارهای ایرانی (با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار در ایران)، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- فهرستی ثانی، مسعود، صالح، ایرج، سلامی، حبیب‌الله، ۱۳۸۱، بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران با تأکید بر تأثیر سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی و گروه اقتصاد کشاورزی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- قاسمی اردهایی، علی، ۱۳۸۶، بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۲، ۱-۲۰.
- قنبری عدیوی، ع، ۱۳۷۲، مدل عرضه و تقاضای گوشت در ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- کیمیایگر، مسعود، باژن، مرجان، صمیمی، بیتا، ۱۳۸۳، بررسی وضعیت عرضه محصولات کشاورزی و تأثیر آن در الگوی مصرف مواد غذایی در ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
- کاشی، خداداد، حیدری، خلیل، ۱۳۸۱، تحلیل عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی و تعیین اثربخشی مخارج خانوارها در تأمین نیازهای غذایی: کاربرد برنامه‌ریزی خطی، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۲۵، ۲۱-۴۹.
- محمدزاده، آسیه، درستی مطلق، احمدرضا، اشراقیان، محمدرضا، ۱۳۸۸، رابطه امنیت غذایی با

- عوامل اجتماعی-اقتصادی و وضعیت وزن نوجوانان، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال پنجم، شماره ۱، ۵۵-۶۲.
- نعمتی، علی، مجیدپور، علی، سقا، محسن، ۱۳۸۲، بررسی الگوی مصرف مواد غذایی در جمعیت روستایی اردبیل ۱۳۷۸، مجله علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، سال دوم، شماره ۸، ۵۱-۵۸.
- نوروزی، ف، ۱۳۷۳، تولید و عرضه غذا در ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم، ۳۷-۷۲.
- وقاری، غلامرضا، مرجانی، عبدالجلال، ۱۳۸۵، مقایسه وضعیت تغذیه‌ای کودکان زیر پنج سال روستاهای شهرستان گرگان در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۲، مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال یازدهم، شماره ۵۰، ۱۰۱-۱۰۵.
- هلاکویی نائینی، کورش، فتوحی، اکبر، برهانی، مهرداد، پویا، بهزاد، ۱۳۸۴، عوامل مؤثر بر سوء تغذیه کودکان ۶ تا ۳۰ ماهه تحت مراقبت مراکز بهداشتی استان هرمزگان، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱، شماره ۳ و ۴، ۲۷-۳۲.
- Campbell, C., 1991, **Food insecurity: a nutritional outcome or a predictor variable?**, J Nutr, Vol. 121, 408-415.
- Dasgupta, P., 1997, **Nutritional status, the capacity for work, and poverty traps**, Journal of Econometrics, Vol. 77, 5-37.
- Garrett, JL., and Ruel, MT., 1999, **Are Determinations of Rural and Urban Food Security and Nutritional Status Different?**, Some Insights from Mozambique, International Food Policy Research Institute.
- Islam, MA., Rahman, MM., and Mahalanabis, D., 1994, **Maternal and socioeconomic factors and the risk of severe malnutrition in a child**, Eur J Clin Nutr, Vol. 48, No. 6, 419-424.
- Matheson, DM., Varady, J., Varady, A., and Killen, JD., 2002, **Household food security and nutritional status of Hispanic children in the fifth grade 1, 2, 3**, American Journal of Clinical Nutrition, Vol. 76, No. 1, 210-217.
- Rona, RJ., 1991, **Nutrition surveillance in developed countries using antropometry**, In Hims JH [ed.]; Antropometric Assesment of Nutritional Status Newurk; Wiley- Liss: 301-318.
- Sahn, D., and Alderman, H., 1997, **On the determinants of nutrition in Mozambique: The importance of age- specific effects**, World Development, Vol. 25, No. 4, 577-588.
- World Health Organization, 1997, **The World Health Report**, Geneva, 1997.
- Yildirim, I., and Ceylan, M., 2008, **Urban and rural households' fresh chicken meat consumption behaviors in Turkey**, Nutrition & Food Science, Vol. 38, No. 2, 154-163.

## **Factors Affecting Nutritional Status of Rural Households in Kermanshah Township**

**Fatemeh Pourghasem**

Msc in Agriculture Extension and Training- Razi University

**Soheila Pourjavid**

Msc in Agriculture Extension and Training- Razi University

**Amirhossein Alibeigi**

Associate Professor in Department of Agriculture Extension and Training-  
Razi University

(Received: 6 Feb. 2012      Accepted: 18 May 2013)

### ***Extended Abstract***

#### **Introduction**

Adequate nutrition is one of the critical factors in ensuring the health of individuals, families and communities. Food is one of the basic needs of human beings. Rural people produce meat, fruits, vegetables and other food materials. However, there is no evidence that they have a good nutrition regime. In Iran, grains, oils and fats, vegetables and fruits are consumed more than other foods, and animal products, mainly meat and dairy products have a low proportion, especially in rural areas. In general, in rural communities the average consumption of bread, dairy, sugar, grains, oils and fats are more than urban communities and most of their calories is provided by eating these products. Conversely, the average consumption of meat, poultry, fish, fruit and vegetables in urban communities is more than rural communities. Studies have shown that poverty, lack of access to enough food, ignorance, poor dietary habits, inadequate health care and unhealthy environment are the main causes of a poor nutrition. But sometimes people do not concern about their nutrition.

#### **Methodology**

For producing healthy foods, producers should be healthy and this is primarily dependent on healthy and full nutrition. This study aims to explore whether or not those producing the food in rural areas of Kermanshah Township have inadequate nutrition. The study of nutrition culture of rural people can provide practical recommendations to relevant organizations for improving physical and psychological health of food producers. As mentioned, this descriptive correlation study aims to identify and assess nutritional status and related factors among rural households in Kermanshah Township. Specific objectives of the study are to determine 1. fruit and vegetables consumed by rural families per week, 2. meat, poultry and fish consumed by rural families per week, 3. grain consumed per week,

4. milk and dairy products consumed per week, and 5. factors affecting the nutritional status of rural households. The population of this study is all rural households of Kermanshah Township (N= 36169). 1340 households are surveyed by the multi-stage sampling technique. The Bartlett table is used to determine the sample size. The main instrument for data collection is a questionnaire developed in this research so that its validity is confirmed by a panel of experts and its reliability is confirmed using Cronbach's alpha coefficient. Data analysis is conducted in two parts: descriptive and inferential. The mean and standard deviation of analyzed data is used for determining the amount of meat, vegetables, fruit, dairy, bread and etc. The purpose of this section is the amount of food consumed per week by the villagers. The inferential analysis is undertaken to determine factors affecting the supply of nutrition by means of correlation coefficient and multiple regression analysis. All Analyses are conducted using the SPSS software.

### **Results**

According to the findings, 73 percent of the nutrition variability in the rural city of Kermanshah is explained by seven variables including household income, food prices, and the level of nutrition knowledge of household, father's education, mother's education, family members and access to food. The results showed that the consumption of breads, sugars, oils, dairy, cereals and tea during the week has the highest rate among rural households, However, other items such as eggs, potatoes, onions, tomatoes, cucumbers and eggplant are consumed modestly during the week and vegetables, meat and fruit have the lowest level of consumption during the week. Factors such as special food culture in the rural region, lack of knowledge of nutrition, poverty and low income, lack of permanent access to food and higher food prices are effective on the low consumption of vegetables, meat and fruit in the rural area of the Kermanshah city. So given the nutrition status of rural households in the study area, it can be concluded that they have difficulty in providing all kinds of food. Due to the impact of nutrition on community health, identification of nutritional status and factors affecting household food basket deficiencies as well as providing solutions to improve nutrition status is of particular importance. This is logical that those who are food producers must have good nutrition. Due to the high influence of income on the nutritional status of villagers it is suggested that the government considers special subsidies for the purchase of food in low-income and poor rural areas in order to tackle nutrition problems. Considering the importance of knowledge and nutritional information on the nutritional status of rural households it is suggested that classes with the aim of raising awareness of nutritional information for rural households to be held.

**Keywords:** food security, Kermanshah, nutrition, rural areas, rural households.

### **References**

Alavi Naini, Amir Mansour; Keyghobad, Kaikhosro; Jazayeri, Abolghasem; Boromand, Mojghan; (2003). **The nutritional status of children 25 to 36 months under house villages in Kerman city's health and factors affecting it in the 1999 -2000**, Kerman University of Medical Sciences Journal, 10, 2, 112-118.

- Campbell, C. (1999). **Food insecurity: a nutritional outcome or a predictor variable?** J Nutr, Vol. 121, pp. 408-15.
- Dasgupta, P. (1997). **Nutritional status, the capacity for work, and poverty traps,** Journal of Econometrics, Vol. 77, pp.5-37.
- Fehresti Sani, Masoud, Saleh, Iraj & salami, Habibollah, (2002). Investigating the situation of poverty and income distribution in rural areas of Iran, with emphasis on the impact of government investment in development, Research Institute of planning and Agricultural economy, Department of Planning and Economic Ministry of Agriculture and Department of Agricultural Economics Faculty of Economics and Agricultural Development, College of Agriculture and Natural Resources, Tehran University.
- Garrett, J.L.; Ruel, M.T. (1999). **Are Determinations of Rural and Urban Food Security and Nutritional Status Different? Some Insights From Mozambique,** International Food Policy Research Institute.
- Ghanbari Advy, A. (1993). **The model of supply and demand for meat,** PhD Thesis, University Department of Economics.
- Gharavi Nakhjavani, Saied Ahmad, (2005). **Poverty in Iranian households (household income shows the results of the project cost),** Journal of Social Welfare, 4, 17.
- Ghassemi Ardhayy, Ali (2008). **A comparative study of the welfare state in both rural and urban households,** Journal of Rural Development, 11, 2, 1-20.
- Holakouee Naini, Korosh; Fotouhi, Akbar; Borhani, Mehrdad; Pouya, Behzad (2005). **Factors influencing malnutrition in children 6 to 30 months, Health Care Centers,** Hormozgan, Iranian Journal of Epidemiology, 1, 2, 27-32.
- Islam, M.A.; Rahman, M.M.; Mahalanabis, D. (1994). **Maternal and socioeconomic factors and the risk of severe malnutrition in a child,** Eur J Clin Nutr, Vol. 48, No.6, pp. 419-424.
- Khaledi, Kohsar; Parmeh, Zvrar (2005). **The poverty status in urban and rural areas of Iran (1996-2003),** Agricultural Economics and Development, 13, 49.
- Khamseh, M. (1996). **Dynamics of demand in urban and rural areas of red and white meat,** MS Thesis, Shiraz University, Department of Economics.
- Kimiagar, Masoud; Bazhn, Marjan; Samimi, Bit, (2004). **Evaluation of agricultural supply and its effect on food consumption patterns in Iran,** economy agriculture and development, Year XII, No. 48.
- Kashi, Khodadad; Heydari, Khalil (2002). **A practice analysis to determine the effectiveness of rural and urban household spending on food needs: the application of linear programming,** Journal of Business Research, 25, 21-49.
- Matheson, D.M.; Varady, J.; Varady, A.; Killen, J.D. (2002). **Household food security and nutritional status of Hispanic children in the fifth grade1,2,3,** American Journal of Clinical Nutrition, Vol. 76, No. 1, pp. 210-217.
- Mohammadzadeh, Asieh; Dorostimotlagh, Ahmadreza; Eshraghian, Mohamadreza (2010). **Food security and socioeconomic factors and weight status in adolescents,** Journal of Nutrition Sciences and Food Technology, 5, 1, 55 - 62.

- Norouzi, F. (1994). **Food production and supply**, Journal of Agriculture and Development Economics, 2, 37-72.
- Nutrition and Food Research Institute of Iran 1991 -1995, Comprehensive study of food consumption and nutrition.
- Rona, R.J. (1991). **Nutritional surveillance in developed countries using antropometry**, In Hims JH [ed.]; Antropometric Assesment of Nutritional Status Newurk; Wiley-Liss: 301-318.
- Sahn, D; Alderman, H. (1997). **On the determinants of nutrition in Mozambique: The importance of age-specific effects**, World Development, Vol. 25, No. 4, pp. 577-588.
- Salarkya, Nahid; Amini, Maryam; Abdollahi, Morteza; Eshrati, Babak (2010). **The role of economic, social and cultural fed infants of the mothers, child care and health staff: a qualitative study in the city of Damavand**. Journal of Nutrition and Food Technology, 5, 4, 75-86.
- Taghavi Shirazi, Maryam; Eghtesadi, Kiarash (2004). **Nutrition and health in Meymand** (Volume II), Cultural Heritage and Tourism Organization.
- Trazkar, Mohamadhasan; Zibae, Mansour (2004). **Review on measures of social welfare income distribution and poverty in rural and urban communities: the case Fars, Esfahan and Semnan Provinces**, Agricultural Economics and Development, 12, 48.
- Vaghari, Gholamreza; Marjani, Abdoljlal (2006). **A comparison of nutritional status of children under 5 years in rural areas of Gorgan Township in 1998 and 2003**, Journal of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, 11, 50, 101-105.
- World Health Organization (1997). **The World Health Report**, Geneva.
- Yildirim, I.; Ceylan, M. (2008). **Urban and rural households' fresh chicken meat consumption behaviors in Turkey**, Nutrition & Food Science, Vol. 38, No. 2, pp. 154-163.

